

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش نامه کوشش

بهیچ حزب -
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۳۲

۲ شنبه ۲۷ آبان ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

پیام بعشایر گردستان

در اورامان

روز ۲۶ و ۲۷ آبان ۲۴۷۷ نیمسار سر لشکر جهانبانی بمعیت آقایان پاسیار جعفر آصف وزیری - وکیل السلطان - حاج امیر اردلان - عبدالعلی سنندجی بسمت اورامان رزاب حرکت کردند. آقای علی اشرف وزیری هم در این مسافرت همراه آقایان بوده.

آقای سرتیب همایونی هم قبلا در رزاب بوده اند این مسافرت که بمنظور خاتمه دادن بجنبشهای بیپوده اخیر اورامان بوده بسیار بموقع و لازم بود. انتظار داریم روسای عشایر اورامان و مرئیوان مقدم آقایان را بنحو شایسته ای مقننم شمرده مراتب خدمتگذاری و وفاداری خود را باعلیه حضرت همایون شاهنشاهی و وطن عزیز خود سمیعانه ابراز دارند.

شما بهیچ قیمت، بهیچ عنوان و بهیچ جاهای نباید هرگز راضی یا حاضر شوید که نفاق در میان شما حکمفرما گردد. بین شما و سربازان جدالی نیست. هر دو باید هم آهنک بوده در راه خدمت بوطن صادق و در وفاداری و علاقه بیادشاه همانطوریکه همیشه از اصول حسی زندگی شما بوده پایدار و راسخ باشید.

شما نباید هرگز عملی بکنید که منافقان از آن استفاده کنند و آتش جنگ را دانه آید بر شما نهانند. اتحاد، اتفاق و صمیمیت که شرط اول بقای ماست نباید بهیچ قیمت از دست برود. اگر نفاق بیش آید، اگر جنگ درگیرد ضعف خواهد آورد این ضعف دامنگیر شما و دامنگیر ملکیت شما خواهد شد.

بر ادران ها این روزها که هزاران دست از گوشه و کنار بطرف هر فرد ایرانی دراز میشود و هر دستی میخواهد او را به سوی بکشاند، ما باید بیش از هر وقت هوشیار و بیدار باشیم این دستها را که بناصالح روز بطرف ما دراز میشوند عقب برانیم اگر هم گریبان ما را گرفت آرا شده اند از خود دور کنیم. شاید صلاح دیگران در این باشد که ما از هم دور باشیم یک دیگر را منقور باشیم با هم جنگ کنیم همه دیگر بکشیم. ولی صلاح ما این است که یکدیگر را دوست داشته باشیم هم نزدیک باشیم در نهایت صلح و صفا بهترین روابط موافق و صمیمیت را داشته باشیم.

مثل آن پیرمرد که فرزندانش خود را در هنگام نوح زد خود غول و دسته چوبی بآنها داد تا بشکنند و هر کدام سبی کردند و بقیه در صحنه ۸

در ۳ ماه و نیم قبل در شماره ۲۰ نامه کوشش نوشتیم: لکشید، لکشید! اینها برادران شما هستند.

این بود عقیده ما در آن موقع همین است عقیده ما اکنون و همین خواهد بود عقیده ما در آتی.

آروزها و چندی هم بعد ما را منتسب بگروه متعصبین خوانده و بر علیه ما - تبلیغات سوء و ناروا میکردند و نوشته های مارا که جز صلاح ملکیت و ملت چیزی نداشت تحریک کننده عشایر میخواندند ما تمام این تبلیغات شوم را نشنیده و ندیده گرفتیم زیرا اطمینان داشتیم تشخیص درست و اما داده ایم و راه اشتباه را مخالفان پیورده اند.

اطمینان داشتیم که در بازو و آنها هم از عقیده ما پیروی خواهند کرد.

عقیده ما این است که لکشید سر باز ایرانی بر روی ایرانی نباید کشیده شود و یک فرد ایرانی نباید سر باز ایرانی، برادر خود را هدف گلوله قرار دهد.

آنهایکه میگویند این دو باید بجان هم افتند یا اشتباه می کنند یا نمی فهمند و یا خیانت می نمایند.

امروز اوضاع اورامان صورت نوینی بخود گرفته. امروز خونریزی پایان یافته امروز است که پس از چندماه فریادهای از خود را بشنیدید. امروز است که همه میگویند:

لکشید لکشید برادر کشی پس است ما وظیفه خود میدانیم در چنین روزی بیامی بشایر کردستان فرستاده بگوئیم!

بر ادران ها شما که زابیده این آب و خاکید شما که یادگار پدران منور و شجاع کرد ایرانی هستید، شما که دست سسی از مرزهای غربی ایران را برای سکونت اختیار کرده حافظ حدود وطن

قرار هستید، شما که یقینا از خدمان بزرگ و مضای اجداد خود مطلع هستید باید

بدانید که افتخار شما همان قدمت تاریخی است سرپانتهی شما فداکاریها و از جان گذشتگی های خود و پدران شاست بر ادران ها شما باید بدانید در این چند ساله که جهان در آتش جنگ می سوخته و این روزها که جنگ با پایان یافته و سر نوشت دنیا معین و معلوم میشود از همه چیز بالاتر برای ما هنگامی از خود گذشتگی و فداکاری است.

اینروزها دیگر موقع آن نیست که برای منافع خصوصی و یا برای بعضی نظریات بجهان هم انتم. اینروزها ما باید بیش از هر وقت صمیمی باشیم این روزهاست که اتفاق مارا نجات میدهد اگر قرار بر این باشد در هر گوشه از ملکیت عده ای بجهان هم بیفتند خواب و خوراک را بر هم حرام کنند مردان در سنگر زن و بچه ها و بلان و سرگردان باشند کسی بکس و کار، بزراحت و تهیه احتیاجات زندگی مشغول نشود پس قوت لایبوت پیران از کار افتاده، مادران داغ دیده و بچه های بی سرپرست را کی باید تا این کند؟ کی باید این ملکیت ما، این آب و خاک کی را که پدران ما در آن در خواب ایمن هستند حفظ کند؟

شما ای برادران که قربانست چه خود چه بد در اتان سرحدات غربی ایران را که از نواهی مهم سوق الجیشی است حفظ کرده اید آیا هیچ میتوانی تحمل کنید روزی پای بیگانه بدان باز شود، در آن راه بابه و بشا آقای و فرمانروایی کند؟

شما میتوانی قبول کنید زن و بچه های شما اسیر دست بیگانگان واقع شوند شما ایرانی هستید. پدران شما باین نام افتخار داشته اند.

شما اگر خون آن پدران و ادران در عروق داشته باشید تا دم آخر باید برای استقلال و عظمت ایران بکوشید.

سعادت ما در این خواهد بود که آخرین قطره خون خود را نثار وطن کنیم.

تکذیب

آقای مدیر محترم نامه کوهستان محترماً مروض میشود امروزه که روزنامه ملاحظه مینودیم شماره مورثه نهم مهرماه روزنامه اطلاعات بنظر رسیده نوشته بود :

بطوریکه اطلاع حاصل شده است چند نفر سکر در بنام قاضی محمد - ابلاغانی زاده - محمدحسین سیف ناضی علی ربحانی - حمزه آقاسی مامش - عبدالله پسر حاجی حمزه جلاپاتی و چند نفر دیگر که مورد از روسا و منتقدین محلی اگراد منطقه مهاباد و موسسین حزب کومله قلمداد نموده چندروزه پیش به تبریز وارد وبلافاصله و بدون اطلاع مامورین محلی وطنی مراحل قانونی و اخذ گذرنامه بیاد کوبه حرکت نموده اند.

ضمناً نوشته بود در خصوص طرز عزیمت افراد مربوط به کوهستان شوروی از طرف وزارت خارجه اعتراض گردیده و برای مراجعت آنها اقداماتی نیز نموده اند.

برای اینجانبان که دو نفر از نام بردگان مورد بهتان فسوق میباشیم کمال تمجیح و حیرت حاصل گردید زیرا روزنامه اطلاعات یکروزنامه رسمی معروف سلطنت محسوب و بطوری خود را قلمداد مینماید که هرگز اظهارات و اخبار بی اصل و اساس درج نمینماید و مندرجات آن کاملاً موثق و مطابق واقع میباشد.

هرچه تصور میکنم نیت نام از روی چه اصل و مودرکی این نسبت را ساده و میخواهند بی جهت اسباب بدنامی مارادز نظر اولیای دولت و آذغان طبقات مردم ایران فراهم بیاورد

چه عقلی تصور و تصدیق میکنند مسافری باین صعبیت و دشواری را بطور

اخبار ستر

۱- عصر ۱۸ و ۱۷ و ۱۶ کلبه کارمندان سابق غله ستر طبق دستور تلگرافسی اداره اقتصاد ستندج از کاربر کنار شده اند

۲- مدتی است توزیع قباض شروع شده ولی جنس اغلب باقیمت بازاری پندان تفاوتی ندارد اجناس که بدردم داده میشود نامرغوب است معلوم نیست ایثار اداره اقتصادی از دادن جنس مرغوب خودداری میکند و باغاملین اجناس مرغوب را نفع خود پنهان میکنند.

۳- از سهپه سه ماهه مرداد و شهریور و مهر فقط سهپه یکماهه شکر زود داده شده و برای دو ماه دیگر هنوز جنسی تحویل نگردیده است.

دراطراف کابینه جدید

هفته گذشته آقای صدر از مقام نخست وزیر مستعفی و استعفای خود را به پیشگاه اعلیحضرت هایبونی تقدیم داشته و مورد قبول واقع گردید شور و اظهار نظر برای تمایل به نخست وزیر جدید در میان نمایندگان آغاز گردید و برخلاف معمول که چند هفته بر آن طول میکشید و شور و مدافعه دیر نتیجه میرسد ایندفعه نمایندگان زودتر از معمول توافق نظر حاصل نموده بطوری که روز چهارشنبه گذشته با رای مخفی تمایل خود را بنخست وزیری آقای حکیمی اعلام داشته.

۱۴۴ نفر نماینده آنان حاضر در جلسه ۷۵ نفری آقای حکیمی رای داده ۶ نفری آقای قوام السلطنه بازده نفری سید و دو نفر هم رای ندادند.

پس از ختم جلسه رئیس مجلس شورای ملی تمایل نمایندگان را بمرض اعلیحضرت هایبونی رسانیده ساعت شش و نیم بعد از ظهر آقای حکیمی احتضار و دستور صدور فرمان نخست وزیری ایشان صادر گردید.

آقای حکیمی این چند روزه را به مطالعه در اطراف اعتبار وزراء پرداخته بقراری که اظهار اطلاع میشود در کابینه جدید ایشان چند نفر از وزیران کابینه آقای صدر شرکت خواهند داشت ولی بطور قطع هنوز معلوم نیست چه اشخاصی انتخاب خواهند شد.

آقای حکیمی از مردان پاک و وطنپرست و در حال صالح ایران هستند دارای محبوبیت و وجه ملی خاصی هم میباشد و وزمداری ایشان را مردم با خوشبینی تلقی میکنند ولی اگر نمایندگان مجلس هم قدری از توقعات خود کاسته و روح همکاری بیشتری نشان بدهند گمان میرود که دولت ایشان قدمهای مفید برای کشور بردارند.

قبایق انجام داد. فرض کردیم در خاک ایران هم صورت میکرفت دولت شوروی چگونه اجازه میداد از خاک و عبور کرده شود.

مسلماروزنامه اطلاعات این مضمون از روی میدم و نظر خود درج نموده بلکه از محل بکنتر رفتن و مفسد از روی غرض شخصی و سیاست خودش این گزارش را به اداره روزنامه تون داده همینطور از مدیر محترم روزنامه اطلاعات کله مندم و عمای توقع بود که روزنامه که باین شهرت و رعیت شناخته شود اجازه دهد بدون تحقیقات و بدست آوردن مدرک اثبات و دلیل اصلی با اظهارات و گزارش ساخته و بی اساس ارباب غرض و ماجراجو اهیتی داده اجازه بدهد در نشر شود و در آذغان بعضی از خواستگان اشنیاه با تردیدی حاصل و بعضی را مابوس بدارد.

لازم دیدیم محض جلوگیری از سوء تصور خواستگان روزنامه اطلاعات بدین وسیله قویاً این موضوع را تکذیب

بطلت تراکم مطالب بقیه مقاله

هزدی است یا دخل

در شماره آینده از نظر خوانندگان خواهد گذشت

و تنقید نایم از آقای مدیر محترم نامه کوهستان هم مستعفی هستیم این چنین نوشت و ابوسله روزنامه درج و منتشر فرمایند.

۲۴/۷/۲۲

حمزه مامش - عبداله قادری

هنا شب ترکها بست های بیرون رش وحشی ساغلوئی گرجی بلاغ را که در مقابل بازرگان (نقله گسری ایران) واقع بود تهیه کرده قوای خود را به تله های سکوهای مقابل آزارات بردند. چند روز بعد دسته از قوای آزارات از تاز بکی شب استفاده کرده خود را بنزد بکی قسبه باشکند رسانید. باشکند در قسمت شرقی دشت ایشدیر واقع و مرکز ناحیه آخال بود سکنه اش ترک زبان و مابین آزارات و سرحد شوروی واقع شده بود.

ترد بکی صبح جنگ شروع و یکساعت بعد از طلوع آفتاب نعبه اشغال شد.

پادگان ترک شهر را تخلیه کرده قوای کرد آنها را دنبال نمودند. جنگ در خارج از قسبه ادامه داشت. کرد ها راه ایشدیر را بسته بودند. فرماندهی ترک مجبور بود بظرف سرحد شوروی عقب نشینی کند. پس از دادن تلفات قابل ملاحظه قسمتی از نظامیان به اسارت درآمدند که تعدادشان به ۱۵۰ نفر بالغ گردید کردها تقریباً سی نفر هم در داخل شهر اسیر گرفته بودند. بقیه قوای نظامی خود را بساحل رود خانه ارس یعنی سرحد شوروی رسانیده زیر حمایت شلیک مسلسلها و پیاده نظام روس قرار گرفتند از دست آزاراتیها رهائی یافتند بعدها اطلاع حاصل شد که دولت شوروی از آنان با کمال احترام پذیرائی نموده با اسلحه و تجهیزات دوباره از رودخانه عبور داده پشهر ایشدیر روانه شان کرده بود.

اهالی باشکند مقدم قوای آزارات را گرامی داشتند. در جلوی برجم کردستان آزاد که بجای بیرون شهری ترکیه با مراسم مخصوص برقرار

وقایع آزارات

۱۹۰

تهنایاری که انجام داده بودند این بود که اسواران ترك را که از گرجی بلاغ (سرحد ایران) به کک تاش بیرون میآمدند عقب راندند.

فرزنده با افراطی که در درجات و شجاعت داشت با تفنگ دستی حمله به دیوار سنگی نموده زخمی شده بود.

بروی حدکی با اطمینان اینکه قله کوه دست مجاهدین است در استقامت کوه فوطیس بالا رفت بود پس از عقب نشینی کردها مشارالیه هم خود را از میان دو آتش رها کرده به آزارات برگشت.

این وضع نامطلوب باعث شد که مجاهدین بیرون سورپس از گرفتن توپ واسیر نمودن نظامیان حرکت خود را دنبال کرده آنها هم به آزارات برگشتند.

این دسته هم موظف بود پس از بدست آوردن توپ حمله به تاش بیرون مسکرده آنجا را ضبط و توپ را جلوتر برده با کک موتر آن ایستگاه بآزیدوا هم متصرف شده از باین بیلا به شهر حمله و با قوای فرزند تشریک مسامی نماید.

توپ سنگین بود وسیله حمل و نقل آن هم نبود ناچار بوسیله اسرا و بازحمت فراوان بداخل آزارات کشیده شد دیگر بردن آن به قله های کوه و استفاده کردن از آن غیر میسر بود لذا گلنگدن توپ را بیرون آورده پنهان کرده تا قابل استفاده باشد.

در اطراف سلسله مقالات گرمانشاه متروک

و نه ی «بیکه ص»

شهی مانگ من و تو هر دو هار در دین
 هه رد و گرفتاریک آهی سار دین
 تو ویل ورهنگ زرد به آسمانه وه
 منیش ده ربه ده به شارانه وه
 دخیلم ای مانگ قبه ی دلداران
 در هانی ده ردی دلی بیماران
 شه و بکه امشه و بکه ره فریام
 بی یار و ها و دم عاجز و ته نیام
 دل زار و بیزار خه یلی غه مکینم
 کیرو ده ی د اوی لیلی شیرینم
 دلیندی عشقی او بله ک چاوم
 شیتو شیدا ی او اگر بیجه خاروم
 له و ساره آرام که و توته خیال
 گریانه پیشه م بوومه کوی زوخال
 ای مانگ تو شعلهی عشقی بیروزی
 تونشه به خشی دلی به سوزی
 قسه هسته نه ده به عشق و جوانی
 به نسیمه که ی به ری به یسانی
 به سه رهاتوی خوت بوخن به یان که
 ده ردی گرانم نه خنی آسان که
 دو چاری جیی بووی واپه شیوایی
 له به رجیبی په ستو مانو و داماری
 ای مانگ اولده سیری دنیات کرد
 سه لری نفاق و ظلم و ریات کرد
 تا وابه م رنگه کاری لی کردی
 رهنگ و شعوری به جاری بردی

«خوانندگان گرامی طبق معمول در نظر داشتیم که در این شماره دنباله سلسله مقالات خود را در موضوع مرزهای ایران انتشار دهیم ولی رسیدن نامه شکوایه که در آخرین مقاله بنظر می رسید موجب گردید که مقاله امروز خود را که آنهم بستگی تامی با موضوع ما نحن قبه دارد به بحث در اطراف نامه مذکور اختصاص دهیم»

تو که محنت دیگران بی غمی
 شاید که نامت نهند آدمی
 در زمان باستان کشور ایران مردمانی
 نیک و سیاستمدارانی نیکو تر داشت و
 اولیای امور از دانشمندیان برجسته و
 بزرگان و اوسته تشکیل شده و عاملین
 دولت هم دارای عقیده پاک و ایمان تابناک
 بودند و کشور را به بهترین وجهی اداره
 می نمودند همین جهت اهالی این سرزمین بهشت
 آیین در نهایت رفاهیت روزگار می گذراندند
 و هیچ اندوهی در دل نداشتند تا آنکه
 درفش افسار خود را در گراخانه های دریای
 سفید و ماوراء جیحون و دره سند باغ تراز
 در آورند حتی سایر کشورهای متدین آن
 عصر هم قن مملکت داری و سیاست مداری
 را از ایران باستان نراند می گرفتند
 اما بیدریغ: «آن سوبشکست و آن
 بیساره ریخت»

زیرا حالا بواسطه سوء سیاست
 زمامداران نالایق که اغلب آنها هم مردمانی
 پست و منفعت پرست می باشند بقدری در این
 باره لایا بالیکری بخرج داده اند که از همه
 سوی در های بدبختی بروی ملت ایران
 گشاده اند بطوریکه هیچکس نیداند
 که برای اسحاق حق خود بکجا رجوع کند
 و بچه اشخاصی باید مراجعه نماید زیرا
 بهر کسی «جزعه معدودی» دست میزند
 و سواست و بیشتر مال دولت که در انتخاب
 آنها (استثنای اغراض شخصی) به پیوجیه
 رعایت لیافت و کفایت شده است. بانه از
 همه را برهم می ریزان خود تک گرفته اند
 و بقدری آلت دست توانگران و وظیفه شناس
 شده اند که صدی بر آن متصور نیست.

بقدری پندگان خدا را در فشار
 گذاشته اند که اگر فریادی از حلقوم
 بیگانه ی بلند شود بلا درنگ بوسیله شب
 خونهای دزدانه اموال او بغارت می رود و با
 با لعاغ مختلف از هستی ساقط می گردد.

اغلب هم می بینان مرز نشین ما در
 برابر تجاوزهای این مستگران خود سرو
 خدا شناس قنای المناشده اند و بهر کجا
 که مراجعه می کنند و بهر که شکایت می نمایند
 بنیر از جوابهای منفی حرف دیگری نمی
 شنوند و متاسفانه این آقایان عالیجناب که
 از دسترنج ملت مستند به ایران دارای همه

تقله فوق را آقای ابراهیم ادبی از کرمانشاه ارسال داشته اند
 بسطامی:
 «بازید بسطامی را پرسیدند که مردم را در این راه چه بهتر
 گفت «دولت مادرزا» گفته اگر نبود گفت «دل دانا»
 گفتند اگر نبود گفت «آن توانا» گفته اگر نبود گفت «چشم یبنا»
 گفتند اگر نبود گفت «سحوش هتوا» گفته اگر نبود گفت «هرک
 مفاجا»
 باید دربی مرک مفاجا بود
 سلیمان بولسی

چیز شده اند برای اینکه از هدهای بیاد
 گران توانگر بپورمند شوند بجای دادوسی
 برایش این بی گناهان بقدری در تقویت
 متجاوزین میکوشند که مالک الرقاب غریب
 شده اند و حتی در اثر تلفن های فرمایشی
 آنها کارمندان دولت را هم تغییر و تبدیل
 میدهند و ابدأ توجهی به فرمایش عمومی
 آنان ندارند.

برای نمونه فقط مقدمه یکی از نامه
 هائی که باهضاه وجوه اهالی کردند
 بنایندگی هشتری های خود بانضمام
 شرح مطالب متجاوزین در پنج هزار
 و پانصد کلمه برای نگارنده نوشته اند
 و برای درج در ستون «گرمانشاه متروک»
 که مطالب آن در سه درجه با نان تعلق دارد
 ارسال داشته اند زیرا از نظر خوانندگان
 خواهیم گذرانید.

بعد العنوان
 آقای محترم نیدانم از وضعیت حال
 وزندگانی ملت بد بخت کردند مستحق
 هستند باخبره. اگر اطلاع ندارد بد بر خندان
 برسانم این ملت بد بخت در دست بیگنفر
 ظالم بی تعصب: عبد العسین حیاتی گرفتار
 و روز کاری بدلت و شواری میکدرانیم هر
 چند داد خواست و شکایات بنقامات هیئت
 دولت نموده ایم بگو چقدر این اقدامی موفق
 نگردیده و ناچاراً بجناب عالی بناننده و
 متوسل گردیده. معاضه از نقطه
 نظر ابوع پروری و برادر نوازی مخصوصاً
 هشترگی و سرپرستی بیان ملت بد بخت
 استدها می نمانیم بل توجهی منقول فرموده
 بهر معری که منقضی میدانید کومک و
 مساعدت نموده و ادارات دولتی را از جریان
 امر مستحضر فرمایند کومک و مساعدت
 برای روز تنگ است نه روزی خوش و خرّم
 و نیز تقاضائی که داریم این است ۷ برک
 شرح حال کردند و ابی بوست تقدیم می داریم
 که در جراید کشور درج فرموده و وکالات
 تام و تمام دارید که درباره این بیچارگان
 دفاع فرمایید. ما عرض نداریم حضرت
 پارینمائی اجر خیر خواهد داد.

از طرف اهالی بد بخت و مستند کرده
 بانضاه قاطبه وجوه اهالی کردند تا خوانندگان
 گرامی بدانند که ما حق داریم نام این
 کتاب «مقالات» را کرمانشاه متروک
 بگذاریم.

من از مفعول این نکته مجملی گفتم
 تو صد حدیث مفعول بیخون از این مجمل
 بهر حال قاطبه اهالی کردند بدانند بر حسب
 وکالتی که به نگارنده داده اند آنچه از
 عهده ام ساخته باشد برای رفع ظالم و رفع
 ظلم و کیک بظلم اگر گوش شنوایی
 باشد اقدام خواهیم کرد و الا بقول بایر به

ک. ک. ک.

کومله کمونیستی کردستان؟!!

میگویند ک.ک.ک. سلامت
اختصاصی « کومله کمونیستی
کردستان » است و میگویند
جمعیتی با این اسم در مهاباد وجود
دارد!!

این روزها شایمانی در این زمینه
در بعضی از روزنامه های تهران دیده
میشد و حتی در بعضی از جرایدهای مطالبی
بنام مرانامه این حزب چاپ شده بود!!
اگر بجای چند هفته قبل مسراجیه
کتیم اخبار حیرت آور دیگری راجع به
مهاباد خواهیم یافت. مثلا در یکی از روز
نامه های هفتگی نوشته شده بود پرچم سرخ
بر فراز ادارات دولتی باهتر از در آمده،
روسای ادارات را از مهاباد بیرون کرده
اند و عکس شاه را از فرمانداری برداشته
بجای آن عکس ستالین را گذاشته اند.

شبیمن این اخبار برای ایرانی قابل
قبول نیست و هیچکس در برابر چنین نوشته
هایی نمیتواند از تعجب خودداری کند.
تعجب فوق العاده توام با نزدیکی تاسف
زاید الوصف مارا بشعش و ادب و تقبیکه
بادقت تحنق کردیم معلوم شد : موضوع
پرچم ، برافراشتن پرچم های دول متفق
در مهاباد بوده آهم بنسبست فتح برلن
و این عمل در تمام ایران و تهران انجام
شده و منحصر بمهاباد نبوده و مورد
هیچگونه ایرادی نیست .

بیرون کردن روسای ادارات صحت
نداشت بلکه تصادفا در عرض یک هفته
چند نفر از روسای ادارات که قیلا تقاضای
مرخصی کرده بودند و از طرف روسای
مربوطه آنها اجسازه داده شده بود از
مهاباد خارج و به رضایه تبریز تهران
برای استفاده از مرخصی رفته بودند .
این تصادف را بیرون کردن آنان اشاعه
دادند در صورتیکه نه تنها در آن موقع
بلکه هم اکنون نیز ادارات دولتی در
مهاباد دایر و روسای آن مشغول کار هستند.

موضوع برداشتن عکس شامو نصب
کردن عکس ستالین بجای آن اصلا متیق
نداشتند در ادارات دولتی مهاباد تشال
شده اما نه سابق هر جای خود نصب و
مورد علاقه تام و احترام تمام مردم است .
اگر چه آن مدیر محترم روزنامه
هفتگی که این موضوع را با حرارت و
هدت غریبی نوشته بود مدعا متوجه اشتباه
خود گردید ولی جای تاسف است که افلا
این اشتباه بسزوک را تصحیح و جبران
نشود.

میگردیم از اینده اشاعه چنین اخبار
خلاف واقعی چه مضرات سیاسی دارد .
اگر فقط از جنبه داخلی و داخلی آن قضاوت
کنیم خواهیم دید نامیدیها و سوء تعبیرهای
بسیار زبان بخش بوجود خواهد آورد.

اما موضوع ک.ک.ک

یکی دو روز نامه هفتگی دیگر
مطالبی در باره « کومله کمونیستی کردستان »
نوشتند و تصاویری آن را آرایش کرده بودند.
یکی پشت جلد مجله یشتان بود که بنام
« مدارک مرانامه » معرفی شده بود و دیگری
پرچم کردستان آزاد.
مجله یشتان که با چاپ خوب و کاغذ
اعلا منتشر میشود معلوم است در کجا
و کدام مطبعه چاپ میشود. از طرز چاپ
آن گمان نبرود در خاک ایران باشد.

عکس پرچم کردستان آزاد آعلوری
که در یکی دو روز نامه هفتگی تهران
چاپ شده بود چیزی را جز یک قطعه پارچه
گسترده نشان نداد و معلوم بود این
پرچم که اینقدر آب و تاب داده شده
بود در کجا باهتر از در آمده زیرا اگر
در محلی برافراشته شده بود قطعاً علاقه مندان
به اشاعه اینگونه مطالب عکس از پرچم
نصب شده محل آن بر میداشتند و ذیل آن
می نوشتند : « پرچم کردستان آزاد بر فراز ... »

مرانامه جمعیت - روزنامه های
ناشر ادعا میکنند آن را از منابع موثق
بدست آورده اند ولی چون اسمی از این
منابع نبرده بودند تردید در موجودیت
چنین منابعی باقی است تا چه رسد باصل
شیر .

اینکه این مرانامه یعنی اظهاراتی
را که بنام مرانامه چاپ کرده بودند متعلق
به « کومله کمونیستی کردستان » دانسته
و محل این حزب را مهاباد تشخیص داده
بودند انهم بصرف ادعا قابل قبول نیست
زیرا در خارج از ایران هم کردستان هائی
موجود است و در این کردستان ها هم احزابی
هست و ممکن است مرانامه مورد بحث
اگر واقعا وجود خارجی داشته باشد متعلق
بیکی از این سازمان های خارج
از ایران باشد.

از آنجا بیکه ما عادت نداریم تا در
موضوعی اطلاع کافی نداشته باشیم بحث
کنیم در اصل موضوع نمیتوانیم اظهار نظر
کنیم همیقدر میگوئیم این اظهارات
تا ثابت نشود برای ما باور کردنی
نیست.
حال قدری موضوع را از لحاظ

نامه دوستانه

انوشیروانی عزیزم

گر بر سرچشم من نشینی نازت بکشم که نازینی
با قلم شیوان خود در شماره گذشته باستان از حقیر سرا پا
تفسیر اسمی برده بودید متشکرم .
اگر بدران من صدها سال در کردستان حکمرانی داشته اند
ایرادی نیست و اگر من هم از اعقاب آن بدران هستم تصویری ندارم.
اگر اعضای قایل من در خدمات دولتی هستند گناهی نیست و اگر
ایمانا چند نظری از آنها سکر دی را خیلی روان صحبت نکنند قابل
عفو و بخشش است .
اگر من در سفر و مهاباد ملکی ندارم و املاک موروثی
من فقط در مروان و اطراف سنندج است خداوند نخواسته که
من در سترهم دارای ملک باشم . ولی فقط ملک نیست که ایجاد
علاقه میکند .

اگر برای تحصیل بشهران آمده و چند سال هم در اروپا
بوده ام گناه بزرگی مرتکب نشده ام .
اگر نواحی مختلفه کردستان را گردش نکرده از نزدیک با
آقایان آشنائی حاصل ننموده ام کم سعادت من بوده و بسیار متاسفم .
امیدوارم این خطاهای مرا بزرگی خود ببخشید .
چون صفحات نامه کوهستان متعلق بسوم اکراد است سهی
بیش از این پیشه نبرسد که راجع بخورد عرض بشنایم .
ارادتمند شما - دکتر اسمعیل اردلان

عکس المل های آن مورد بحث قرار دهیم و به بنیم اصولا چاپ اینگونه
مطالب در روزنامه برای چیست ؟
اگر برای جلب خواننده است که گمان نبرود چندان تاثیر
بزرگی داشته باشد .
اگر برای واقف کردن مردم است باوضاع مملکت این قسم
موضوعها باید مرصخر و روشتر و با دلایل قاطع باشد و راه
علاج و اقسامی را له باید مردم بکنند نشان داد تا درج مطلب
اقتلا اثری در اصل موضوع داشته باشد والا این روزها مردم
بندری بخوانند این قبیل مطالب عادت کرده اند که از طرقی میخوانند
و از طرف دیگر باور نمیکند و با تعجب می نمایند و به دم فراموش
می کنند .
اگر برای آگاه نمودن دولت و خدمت به مملکت است و
واقعا برای این است که دولت جلوگیری کند بهترین راه این است
که بدون درج دو روزنامه با ادارات مشغول گفته یا نوشته شود تا
قبل از اینده اشخاص مورد نظر متوجه گردند دولت بطور محرمانه
تحقیقات کافی نموده در صدد علاج بر آید .

اگر برای تصدیق غورده حساب باشخاصی است شایدت نیست حاجه
حساسی از مملکت را بصرف غرض شخصی دستغوش تهنشهای ناروا کنند .
ما از همکاری محترم خود تقاضا میکنیم اینگونه موضوعها
را شوخی نپنداشته و تحقیق نکرده و تسنجیده در اطراف آن
قلمفرسائی نفرمایند و اگر واقعا منظورشان خدمت به مملکت است
راهی را انتخاب نمایند که به نتیجه برسد و الا نوشتن اینگونه مطالب
با این کیفیت ها علاوه بر اینکه مردم منطقه ای را از دولت مایوس
و از برادران خود گله مند خواهد ساخت چنین افکاری را در آنها
ایجاد و پرورش داد . و برادران دیگر ایرانی را با کراد هموسا
پدین خواهد نمود . لذا شایسته و صلاح نیست در این روزهای تیره
تیرگیها و نفاق جدیدی نیز ایجاد شود .
علاوه بر این نکات که جنبه داخلی دارد اینگونه مسائل و
شایعات مستسکی به دست هواخواهان و مبلغین این عقاید خواهد
داد که حتی دامنه آن تا انجمن های بزرگ بین المللی نیز کشانیده
شده و اگر زبان ارضی از این راه متوجه وطن ما نکنند قطعاً مزاحمت
هائی فراهم خواهد آورد .
امیدواریم این تذکر دوستانه و صمیمانه مامورد توجه
همکاران محترم قرار گرفته در نوشتجات خود در قسطنطنیه مکه با
کردستان تماس خواهد داشت با دقت و توجه مخصوصی بحث نایسته
که اولاً احساسات اکراد حساس ایرانی را جریحه دار نموده
نایضا مشکلات خصوصی دیگری از لحاظ سیاسی بر مشکلات عمومی
مملکت اشاعه نکنند .

بقلم آقای محمد مردوخ (آیت الله کردستانی)

گرد و گردستان

—۲۱—

سنه اردلان

حکومت سلیمانخان اردلان

سلیمان خان اردلان پسر میر عام الدین در ۴ شوال سنه ۱۰۴۶ هجری از طرف نظام صلی بحکومت کردستان منصوب گردیده (شاه صلی هسان سام میرزای پسر صلی میرزای پسر شاه عباس ماضی است که شاه عباس او را شاه صلی نام گذاشته است.)

سلیمان خان در نزد شاه صلی پیشنهاد کرده بود که دارالملک کردستان را به عمل منه در انتقال دهد.

بنا بر این لای الوورد بکردستان در ذی قعدة ۱۰۳۶ قریه سنه واسه در آن هنگام یکی از اقراء محضر کردستان بوده و طایفه کفش زرین در آنجا سکونت داشته اند توسعه داده است (طایفه کفش زرین یا زرین کفش همان طایفه هستند که سابق گفتیم نسبت ایشان بنوس کمانی منتهی میشود.)

قلعه حکومنی را که روی یک تپه در وسط شهر واقع است با کمال استحکام بنا نهاده و این قلعه را سنه ۱۰۳۶ گفته اند یعنی قلعه سنه که در بعضی قلعه است بعد آنرا مغرب کرده اند سنه دج و بالاخره در نتیجه تخریب و تخریب منتهی شده است.

این قلعه همان قلعه حکومنی است که سنه ۱۳۴۷ هجری مقرر حکام بوده و از سنه ۴۷ بعد مرکز قشون دولت شده است.

سلیمانخان علاوه بر قلعه حکومنی - هرات و مساجد و بازار را هم در اطراف قلعه حکومنی بنا نهاده بکرشته قنات را هم از اراضی سرنودی که در مغرب شهر واقع است احداث نموده است. و آب آن را بوسیله سه شتر گلو بقلعه حکومنی وارد کرده است. (اخیرا حسنعلی خان نیز در سنه ۱۳۱۰ در زمان حکومت خود از آن قنات تصویری نمودن است مجری و شتر گلو هارا هم تازه کرده است در سنه ۱۳۴۹ هجری با زحمات سرهنگ مصوبخان امین رئیس تپ منقل کردستان از بغداد لوله آهن وارد کرده است و از قلعه حکومنی تا خارج شهر مجری آن آب را لوله کشی کردند و شتر گلو هارا برداشته.)

سلیمانخان پس از ساختن قلعه حکومنی در سنه قلعه زلم و پلنگان و مروان و حسن آباد را خراب کرد.

خان احمد خان که حکومت سلیمان خان و علیات او را شنیده در سنه ۱۰۴۷ هجری با دوازده هزار سوار و پیاده که از

تشکر و امتنان

از عموم آقایان ذوات محترمی که در مدت ۶۰ روز توفیق فرمایشی و غیر قانونی اینجانب در شهر بانی بدل محبت فرموده سرافرازم نموده بودند تشکر و امتنان دارم. ضمناً از آقای سالار ارشد کمانگر و آقای فتح اللهی و گلای محترم درجه اول داد گستر بنامیت ابراز مدامت کمانی تشکر کامل دارم.

سنندج - عباس آزاد پور

کوهستان - خانه باقن بازداشت آقای آزاد پور موجب مسرت کارکنان نامه کوهستان گردید. بدین وسیله ما نیز از عموم کسانی که در هنگام بازداشت ایشان از کمک و اظهار محبت دریغ نداشته اند تشکر مینمائیم.

زوم را سر از تن جدا کرده و مورد ضایعات ملوکانه واقع شده است که بالاخره در نتیجه هسان رشادت و قداکاری بحکومت محترمانه تبدیل میشود. پس از شاه صلی شاه عباس ثانی نیز با همین سلیمانخان کمال توجه و عطوفت را داشته است مدت بیست سال در کردستان حکومت کرده در سنه ۱۰۶۶ منوفی گشته

«حکومت کلبعلی خان اردلان»

پس از فوت سلیمانخان شاه عباس صفوی بر حسب پیشنهاد و صلاح دید مرید و پس سلطان کلهر که یکی از بستگان خاص سلیمان خان بوده کردستان را شش قسمت نموده و هر قسمتی را بیک یکی از کسان سلیمانخان داده است:

۱- ایالت سنه دژ را با مضافات شرقی آن بکلبعلی خان پسر بزرگ سلیمانخان واگذار نمود.

۲- حکومت مروان را بخسرو خان پسر دیگر سلیمانخان داد.

۳- سنقر و لویه کوه را بسوراب سلطان پسر کوچکش تفویض نموده است. و همه را عکلف ساخته که در تحت اطاعت و انقیاد کلبعلی خان باغند.

۴- محل پلنگان را بسرید و پس سلطان داده.

۵- و جوان رود را بعضی خان سلطان واگذار نموده است. و محمد سلطان گلیانی و سایر امراء و اعیان را هم در خدمت کلبعلی خان هر یک بشفلی از مشاغل دیوانی اشتغال داده است در سنه ۱۰۶۷ هجری کلبعلیخان با ایالت سنه دژ منتقل گردیده. سایر حکام جزء هم بطور مذکور به عمل مأموریت خود رفته اند

کلبعلی خان با حسن خدمت و ابراز لیاقت عواطف و توجهات شاه عباس ثانی را نسبت بخود جلب نموده مورد عنایت و محبت و ترق و اعتماد واقع شده است.

در آن زمان اهالی خوزستان بنای سرکشی و ملتیان گذاشته از طرف دولت ایران کلبعلی خان با سیاه اردلان مأمور تنبیه و سرکوبی خوزستان میشود.

کلبعلی خان حسب الامر ملوکانه بکوشالی سرکشان حرکت کرده با کمال رشادت و نیرومندی بطوریکه مکتون خاطر مبارک هابونی شود اهالی آن سامان را کوههایی سخت داده است.

امنیت و آسایش از دست رفته را دوباره در صفحه خوزستان اعاده و برقرار میسازد و در نتیجه این خدمت بیشتر از پیشتر مورد مراسم شاهانه و اطاف ملوکانه واقع شده است.

کلبعلی خان در اندر عنین از و سیم و جمع آوری اشقام و اغنام سعی مضبوط داشته و در بدل و بخشش و عطا بعد امساک قائل بوده است.

بنا بر این از بحر نوال او کسی بهره مند نگشته است پس از مدت ۱۵ سال حکمرانی در سنه ۱۰۸۲ هجری از دنیا در گذشته است.

مومل بزم تجدید تصرف کردستان و دفع سلیمانخان حرکت کرده بود از بند چنان گذشته وارد خاک کردستان میشود.

سلیمانخان هم که از پیش حرکت خان احمد خان را بشاه صلی اطلاع داده بود بنوریت از طرف دوباره شاه صلی (آلی پالی) زنکته امیر آخور شاه صلی که

سابق هم دگرگی از او شده با سه سدسوار مأمور حفظ قلعه حکومنی میگردد سپس سیادوش بیگ قولر آقاسی و شاه و بری خان حاکم اردستان و آقا خان جوانشیری هم هر یک با جمعیت خود از طرف دربار شاه صلی مأمور دفاع از خان احمد خان میگردد.

در جنگ مروان با دیگر تلاتی - فریقین بمسل آمده جنگ سختی درگیر می شود پس از کشت و کوشش زیاد چند نفر از پادشاهان ششانی که در اردوی خان احمد خان بودند کشته میشوند.

خان احمد خان چون میبیند که ضعف و سستی سپاه او روی نموده شام همان روز دوباره رو بجانب مومل میراند.

پس از ششماه دوست ۱۰۴۸ هجری در مومل فوت کرده امراء کردستان نمش او را در جوار بوس لیلی دن نموده که پنجسال از آن بعنوان سلطنت نام خود را زین سکه و زینت خطبه ساخته است

پس از فوت خان احمد خان سلیمان خان آسوده خاطر شده با فراغت حال با امر حکومت کردستان اشتغال پیدا کرده است این سلیمانخان در ابتدا نزد خان احمدخان بنی هم خود بوده چون همواره در مدارک و جنگها آثار شجاعت و نیرومندی از او مشاهده کرده اطناً از او متوجه شده خواست بیک وسیله او را از میان بردارد

سلیمانخان بفرست مکتون او را در - یافته بدون اطلاع فرار کرده خود را بدر بار شاه صلی میرساند مدتی در آنجا بسر برده بقتاس سوء قصد خان احمد خان سرخاب بیک پسر او را نزد شاه صلی منتهی میسازد و چشم او را (چنانکه سابق گفتیم) بکنندن میدهد.

گر کار بدکنی تو مینداز آن بدی گردون فرو گذارد و دوران رها کند قرض است کرده های تو در نزد روزگار

در هر کدام روز که باشد ادا کند در جنگ همدان هم که اردوی شاه صلی با خسرو پاشای سرمکر روم مصاف میدهند همین سلیمانخان رشادتهای شایان تجدید ابراز داده و چنهمین نفر از دلیران

بنام آقای محمد کاظم وکیل کردستانی

منفی باقی چیست و منفی باقی چیست؟

آیا کردستان پسوی خوشبختی می رود؟

این روزها اگر دقت کرده باشید گذشته از عبارت زیبا و فرینده «مصالح عالیله کشور» که متأسفانه غفلت ناگهین املحه زندان و ناباکان شده و بهترین نقابین است که اغلب خیانتکاران چهره زشت و منحوس خود را در آن مخفی و مستور نموده و ملت مصوم ایران را گول میزند کلمه دیگری نیز منکر دزدان و خیانتکاران و مدافعین چهارآتش آنها شده که «منفی باقی» است.

اگر فی المثل از سوء جریان کار فلان اداره یا فلان وزارتخانه صحبت بکنی و در کمال وضوح ثابت کنی که کارزار این اداره درست برخلاف منظوری است که تشکیل آنرا ایجاب نموده و بگویی که بیش از فلان اداره با چنین تشکیلات و جریانی عدمش به وجود است فوراً شما را متهم یعنی باقی میکنند هرگاه بگویی فلان رئیس اداره را که دزدبپایش نزون از شماره حساب شده است باید تعقیب و با اظهار کنی که فلان فرمانده لشکر را که علیاتش موجب دردسرو زحمت مردم و متضمن تلفات مادی و معنوی فراوان و بدون نتیجه مفید برای دولت و ملت بوده و خیانت او ثابت و مسلم شده باید کیفر داد و چنین افراد پشت هم اتعال و مضری از کشوری و لشکری را بوجدانشان اولی و سزاوار تر است که بچوبه دار - سپرده شوند تا موجب عبرت دیگران گردد فوراً مدافعین معلوم الحال آنها میگویند که شما منفی باقی هستید و اینها که میگویند منفی باقی است و بالاخره چون بگویی که تمام این تشکیلات هربش و طویل و این همه طعنانها که پشت ملت ستمیده در زربار سنگین مغارج آن دارد خورد میشود برای راحتی و آسایش همین یک مشت مردم فلک زده است نه برای هیش و هشرت و اظهار عظمت چند نفر قلدر و دزد خدا شناس و آنچه از آن که برخلاف اینها منظور باشد محکوم بنما و باید منحل شود زیرا اساس دولت برای ملت است نه ملت برای دولت بیدرنگ منفی باقی را پسوی شما یرتاب کرده و خود را در قلمه مستعجم «جنبه مثبت» قرار میدهند و حال آنکه در حقیقت تشبیه بر عکس است و خود آنها منفی باقی اند که حاضر نیستند راه حل موضوع را قبول نمایند.

راستی باید گفت که در مملکت ما کلمات و عبارات نیز از دستبرد دزدان مصون نباشد و آنها هم معنی حقیقی خود را از دست داده اند.

چه باید کرد اتفاقاً از بدبختی و

و بهلت غسرت میشت و نسلوا اخلاق عامه که نتیجه مستقیم حکومت زور و قلدری دوره گذشته و مولود اسرار آن حکومت در امعاء عقیده مذهبی است و ضمیمه طوری شده که نام از شرح آن ننگ دارد. رفو - خواری و دزدی بعدی شیوع یافته، خیانت و تقلب با اندازه و رایج شده که بزور از حد تقریر و بیان است، اغتلاص بقدری زیاده شده است که خبر کشف یکی از آنها دیگری را تحت التمعن فرار داده و از خاطر ها محو میکنند و کمپانی دزدان و هر کس از یک دزدی را با دزدی بزرگتر و ننگین تر هیش و پند و خائنین و جنایتکاران یک خیانت عظیم را با خیانتی عظیم تر و هولناکتر میخوانند البته برای تماشای کنندگان این صحنه های حزن انگیز و ناظرین این مناظر عجیب و غریب هم که بقول معروف: «از پس مردمک دیده آنان مردم بد دیده است» حتی نسبت به مردمک دیده نیز بد دیده شده اند» و در اثباتیکه اوضاع را که همین - سوال است مینگرند و باز نغمه ناموزون و خوم منفی باقی که از خلق های ناباک مخالفین اصلاحات بیرون میآید برده گوش آنها را مرتش نموده و بر خصایبت شان میافزاید اگر در میان این معیشتی که در ظلمت بیدادگری دزدی و خود خواهی افراد فرو رفته اند که روشنائی بیدار گردد محق هستند که آنرا گرامی داشته و از تجعید اظهار مسرت و خوش بینی خودداری ننمایند تا هم شرط انصاف را بجا آورده و هم بدینوسیله مشت منطقی و محکمی بردهان آن کسانی که آنها را بنامی باقی و یا بیخالف با اصلی از اصول منتهی میکنند زده شود.

ما که نسبت به ملیات خود سرانه و جاهلانه آقای سرتیب هوشنه افشار که روح هر فرد آزادبخواه، نوع دوست و علاقتد بکشور را بشدت متضرر میشود جدا اعتراض کردیم و در آن هنگامیکه شاید انتقاد از علیات ایشان برای مابسی گران تمام میشد احساسات انسان دوستی و عشق بمصالح کشور و هلاقه باب و خاک ما را وادار نمود که طی الرغم هرگز نه مواسی با صدای رسا و بی پروا علیات خلاف ایشانرا انتقاد نموده و بسبب اولیای دولت و هم پیمان گرامی برسانیم: اکنون که یک فرمانده مدبر وطن پرست و علاقتد با ایجاد امنیت حقیقی بجای ایشان منصوب شده است که مصالح کشور و تأمین رفاه عامه را بر منافع خصوصی ترجیح میدهد و بموش

اثر طبیع «سالم»

نه کر امید دل بی بیه جی مامی جهان آرا
 «بخال هندوش بهخشم سمر قند و بغار آرا»
 له بن خاری مغیلان وصل اگر بی آرزو ناگم
 «کنار آب رکن آباد و گذشت مصلارا»
 نصیحت بکره گوی گمانه لایان زور به تعظیمه
 «جوانان سعادتمند یند پسر دانا را»
 دو سچار گهره گوی خوم حرفی سار دت بشوم شادم
 «جواب تلخ می زبید لب لعل شکر خسار»
 نه کر حوری له کو رشت و شوی خوی دابه تونایی
 «باب ورنک و خال و خطچه حاجت روی زیبار»
 له ادراکی شک جسی عقد زلفت یریشام
 «که کس نکشود و نکشاید به حکمت این معمار»
 که شعلی طلعتی یوسف طلوعی کرده چی زانیم
 «که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را»
 که لامت «حافظا» دل سنا نجه بو «سالم» وها چاکه
 «که بر نظم توفشانند فلک عقد ثریا را»
 این غزل را آقای عزت الله شجاع اردلان ارسال داشته اند

آزمایشی

چون در نظر است کتاب «کرامت شاه متروک» باین سبک و روشیکه بعضی از قسمت های آن در روزنامه کوهستان منتشر میشود طبع و نشر خود باینجه از علاقتندان و خوانندگان و همشهریهایی معترم نمی دارد اگر نظریه اصلاحی و یا انتقادی دارند مرفوم فرمایند که با رعایت تمام نکات و جواب مربوطه به آن کتاب مذکور چاپ و در دسترس علاقتندان گذاشته شود

۲-۱

سلیمان یو لسی

تهیه گذارش های دروغ برای خودنمایی و با تصدیح حسابهای خصوصی با این و آن میبینیم که در راه حقیقی اصلاح اوضاع قدم بر میدارد بخود اجازه میدهم که اظهار مسرت و شادمانی نموده و توفیق ایشان و در راه خدمت بکشور از خداوند متعال مستاث نمایم و همچنین در این موقع که شخص پاکدامن جدی و محترمی مانند آقای بهمن حبیبی ریاست فرهنگ کردستان را همده دار هستند با سوابق حسنه ای که آنها را با احوالشان از ایشان بیان میکنند رفع نگرانی های ما را از فرهنگ آن سامان مینماید و چون یقین است که این اشخاص و سایر مامورین لایق جدید با همکاری مامورین پاکدامن و فعال دیگر که در کردستان هستند قدمهای موفرتی در راه بهبود اوضاع کردستان بر میدارند شاید بیسورد نباشد که برخلاف سابق اظهار خوش بینی نموده و بسرای کردستان آتیه بسببه روشنی را پیش بینی نمایم.

امیدواریم که ایده های ما همگی جامه عمل پوشیده و در این هنگام نخست که کوکب زیبای صلح از شرق امید درخشیدن گرفته و نوع بشر دو سه جا از بد بختی و نیکبختی که چندین سال است دامنگیر او شده و رهائی مییابد آفتاب نیکبختی و سعادت از افق کردستان نیز طلوع کند.

نامه های وارده

از سقز

آقای حاجی محمد صالح نسفی و آقای خلیفه احمد شکایت بنمایند که بر اثر نزاع خانوادگی و شکایت سرباز وظیفه خلیل (داماد آقای محمد صالح نسفی) نویسنده آمادگاه بدون مجوز قانونی مدت ده ساعت بدستور آقایان ستوان یکم رشید بیگی و ستوان دوم رضایی در شهر بانی باز داشت شده و مورد اهانت واقع شده از شاکیان نفاضا ندوده اند شکایاتشان در حق نظر آقایان مسئول نسبت باینگونه اقدامات جلب گردد.

از مهاباد

آقای سید کریم ایوبی از طرف فارغ التحصیل های مهاباد مینویسند : اجازه می خواهم هرايش زيرين را بسج ولبای امرم محترم برسانم .

اینجانب سید کریم ایوبی و امثال بنده باسم فارغ التحصیلان دوره اول و دوم دبیرستان تا این مواقع هرگز خود را صرف تحصیل ننوده ایم بامید اینکه از مزایای قانونی آن بهره مند شویم ولی بالعکس امید ما به پاس محض میل شده از آنجا که اولیای امور کشور با اوضاع اسف آ آور کنونی و سخنی زندگانی عموم آگاهند و از طرفی استخدام در دربار دولتی ممنوع گردیده و بکشت از این قبیل جوان های لاکتیکو بیچاره هستند استدهای بدل توجه مخصوص را در این باب بنمایند سکه

محل اداره: خیابان پهلوی

روبروی کوچه مریضخانه وزیری تلفن ۸۵۴۹

چاپخانه وزارت کشاورزی تلفن ۴۷۸۷

الفبای آسان

a	زیر	i	ای	س	س
ā	آ - ها	j	ج	w	ش
b	ب	k	ک	t	ت
c	ج	l	ل	u	او
ç	چ	m	م	v	و
d	د	n	ن	x	خ
e	زیر	o	پش	y	ی
g	گ	p	پ	z	ظ - خن ذ -
h	ح - ه	q	ق - غ -	ō	او و مجبول
		r	ر	ō	همزه با ع ساکن
				6	مائل متحرک
					یا متحرک
					قابل ساکن

(۱) علامت حذف برای حفظ و تسایین اصل مانتد

کین جهان incahān 'کلو کز تو تو k' azto

اینکه دو جمله با الفبای آسان ذیلا نوشته میشود :

۱ - دو گروه طرفداران الفبای آسان هم بانوان هستند و هم آقایان

Dar goruho tarafdārāne alefbāye āsān ham bānuān hastand va ham āgāyān

۲ - از بانوان و آقایانیکه طرفدار الفبای آسان هستند خواهشمندیم چند جمله کوتاه با هر دو خط نوشته بفرستند تا بنام خودشان درج شود.

Az bānuān va āgāyāni ke tarafdāre alefbāye āsān hastand xahewmāndim Çund comlaye kutāh bā har do xatt nevwia beferestānd tā bonāme xodewān dare wavad

پلی کلینیک تهران

پلی کلینیک تهران که دارای بخش های مختلف پزشکی است تحت نظر آقایان دکتر عبدالحسین اودلان دکتر هوشنگ ظلی و دکتر جهانگیر جهانشاد اداره میشود . آدرس تهران خیابان سوم اسفند اوقات پذیرائی صبح و عصر .

خالد آقاویس ایل جلالی که چادرهای ایش مورد حمله ترکها قرار گرفته بود برای اینکه زن و بچه های ایل واحشامشان بدست ترکها نیفتد و بیلاوه فصل مراجعت از بیلاق هم رسیده بود پس از جنگ مختصری در زیر گلوله باران ترکها بار کرده بدشت اوجوق وارد گردید . فرماندهی ما کو دستور داد ایل مذکور دوباره با هیال و اطفال واحشام بکان اولیه خود در بیلاق بنی هجابانیکه مورد حمله ترک ها واقع شده و قسمی از آنها تحت اشغال آنان قرار گرفته بود مراجعت ناپسند این دستور برای ایل قابل اجرا نبود . زیرا سردی هوا از یکطرف و بردن هیال و اطفال واحشام و اتانیه بیان آتش از طرف دیگر چنین اقدامی را بهیچوجه صلاح نیدانست خالد آقا دو مقابل این دستور فرماندهی نظامی ما کو جواب داد : قوای نظامی ترک بحدود ایران تجاوز می کند ما برای دفاع از خاک ایران حاضر هر گونه فداکاری هستیم بکنفر صاحب منصب و چند نفر نظامی اعزام دارید ما هم کلیه تسکیجی های خود را در تحت فرمان صاحب منصب اعزامی قرار خواهیم داد که برویم حدود را پس گرفته ترکها را از خاک ایران خارج کنیم اما بردن زن و بچه واحشام بی مورد است اجازه داده شود چادرها در همین جا بمانند . ولی فرماندهی ما کو در حرف اولیه خود اصرار داشت . روز بعد یاور فتح اله خان با عده ای سوار که قسمی از آنها از اهالی ترک زبان محال ما کو بودند بایل جلالی وارد شد . محمد امین آقا برادری خالد آقا که رئیس آن قسمت ایل بود باستانش شگفت باورده دستور میدهد فوراً باید ایل بار کرده بکان اولی خود بفرستد بروند .

حق زندگی فارغ التحصیل های آینده و کنونی پایمال نشود .

از سقز

شرعی بامضای کارمندان غله سقز یاداره روزنامه رسیده اظهار داشته بودند بیات کمک با بازرسان اعزامی اداره کل غله و نان آنها را از کار برکنار کرده اند . به اداره کل غله و نان مراجعه شد دستور اکید دوباره کار آقایان به اداره غله مستند صادر و مخصوصاً تاکید شده است که اداره نام برده بدون کسب اطلاع و موافقت بازرسی کل غله حق نقل و انتقال و انحصال کارمندان نام برده و انبارد آشنا دستور دیگری هم صادر شده که کلیه کارمندان که در پرونده های بازرسان اعزامی سوءنیت یا شیانتکاری آنها ثابت شده نورا برکنار گردند .

از تهران

آقای سروان باز شسته طبعه اردلان از عهده توجه اداره کل ژاندارمری شاکلی و اظهار میدارند با وجود اینکه از طرف وزارت کشور دستور اکید برای رسیدگی به شکایت ایشان و مجازات مامورین ژاندارمری که برخلاف قانون و بدون مجوزی با ایشان اهانت کرده اند صادر شده از طرف اداره کل ژاندارمری تا سکتون اقدامی معمول نشده است . انتظار داریم اداره کل ژاندارمری بشکایات حقه ایشان توجه خاصی مبذول دارد .

عسارت حکومت باشکند برافراشته شد گوسفند قربانی کردند . ملاحظین مجاهد دینی وطنی که از حوالی وان به آوارات آمده و در میان ایل کلتوران سکونت داشت با هر سه و قوای کافی ماموریت داشت درجین حمله به ناشکند ، ناش بیرون را اشغال نماید . (این ناش بیرون محل دیگری است که در وسط راه باشکند به ایفند پروانه است) و بدین ترتیب جلوی قوای کسکی ترک را بگیرد . این وظیفه هم انجام نشده بود . بند ها ترکهای گردان به ناش بیرون فرستاده بودند . پس از چند روز هر سه برای جبران غیبت گذشته با فداکاری خاص خود به ناش بیرون حمله برد نظامیان را از چادرهایشان بیرون کرده وارد محل چادرها شد ولی بدبختانه با اسابت گوله دشمن جان سپرد ولی افراد جنگ را دیبال کرده و چند تپه را از ترکها گرفته . در این اثنا کنگ بزرگی با اتومبیل های باری از ایفند بر رسیده با نتیجه کردها توانستند هاطلی را که اشغال کرده بودند حفظ کنند . چند روز بعد در ایران وقایع رخ داد که موجب تاثر و تاسف آواراتی ها شد سقوط آوارات را تسریع و تسامین نمود . پس از شکست کلی بزلان عده ای از زن و بچه های کرد در میان ایل جلالی (از اتباع ایران) بفرستد و بپرانیدن و مراقبت احتام خود اشغال داشتند . ایل جلالی در این موقع در بیلاق های خود واقع در منطقه اوجوق و در ناحیه سرحدی ایران و ترک بود . قوای ترک این را بهانه قرار داده با قوای زیادی بفرستد ایران حمله نمود بجنوی که هواییا های آنان بسبب های خود را در خاک ایران به محل چادرلان ریختند . در مقابل این تجاوز فرمانده سرحدی ایران مدافعه ای نکرد .

کوهستان

تکذیب مسافرت به باد کوبه

ضمن سرمقاله شماره ۲۹ تحت عنوان (مهاباد جداشدنی نیست) غیر مسافرت عده‌ای از محترمین مه‌باد را بیاد کوبه بحقیقت نتوانستیم باور کنیم اگر چه پس از آن تاریخ و تکذیبی که آقای ماسم ابلعانی زاده نموده و جوایی که روزنامه اطلاعات بایشان داده بود و خبری که هفته گذشته در جراید چاپ شده بود و ما هم آن را عیناً در شماره گذشته نقل نموده بودیم موضوع جنبه واقعی نبود گرفته بود ولی در مقابل تلگراف ذیل جایز است مجدداً راجع به مسافرت باد کوبه تردید داشت زیرا از یکطرف مقامات روسی میگویند چنین مسافرتی انجام شده و از طرفی کسانی را که مسافر معرفی شده اند این مسافرت را تکذیب مینمایند و میگویند اگر ما خیال مسافرت میداشتیم دلیل نداشت بدون اجازه برویم و در جای دیگر تلگراف میگویند:

اطمینان میدهم مات کرد وطن فروش نبوده، وطن پرستی و جان باری خود را در راه افتخارات ملی تمام دنیا ثابت کرده است بنا بر این لازم است اولاً اولیای امور متوجه این امر بوده که بزرگ کردن این موضوع و جنبه‌های آن دادن و این انگار را پرورش دادن صلاح مملکت نیست تا بابتدای مومنی که نظایر چنین اتفاقاتی گذارش میشود بهتر است اولیای دولت بجای مشوب نبودن اذهان عمومی در معیشت امر رسیدگی نماید نه اینکه رویه خسومت آمیز پیش گرفته بشیال تمغیه نموده حساب با عمرو و یازید آتش را دامن زند

برای استحضار خاطر خوانندگان ذیل تلگراف وارده از تبریز را که صبح روز ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ به قتر روزنامه رسیده است درج مینمایم:

از تبریز - تاریخ اصل ۲۶ و ۲۷ و ۲۸

تهران مجلس شورای ملی، کیه آقای صدوقاضی، کیه روزنامه اطلاعات، کیه ارس، کیه کشور، کیه باغترکیه کوهستان، کیه نوروز ایران کیه اقدام کیه کیهان.

امروز روزنامه اطلاعات خواندیم که گویا امضاء کنندگان ذیل این روزها باد کوبه رفته ایم لازم میدانیم جدا از آنرا تکذیب کرده خاطر نمایندگان محترم و مدیران جرایم را مستحضرداریم که مأمورین خائن از انتشار این گونه افتراء نظرشان این است ولایت مه‌باد که در این مدت در کمال آسایش و افتخار زندگی کرده بدون آغشته نماند و راه را برای مأمورین ظالم و خونخوار باز نکنند و سرانجام و زانندارم مثل سابق مرجان و مال ما مساطتند و الا هرگاه چنین مسافرتی در پیش باشد برای چه بدون اجازه اقدام میشود مگر رفتن خارجه برای تمام ایران آزاد است و قطع برای مهابادی قدغن است اینک مجدداً آنرا تکذیب کرده و اطمینان میدهم ملت کرد وطن فروش نبوده وطن پرستی و جان بازی خود را در راه افتخارات ملی بشام دنیا ثابت کرده است. این گونه افتخارات فقط برای بدنام کردن اهالی این منطقه است چندی است که می بینند، تمام ایران فقط مه‌باد در این مدت در هرج و مرج و ناامنی و اختلاف و تفرق در امان بوده است.

محمد قاضی . محمد حسن سیف قاضی . علی ابلیخانی حمزه هاشم - عبدالقادر جلدیان

میخواهد مراسم شاهانه و توجه دولت را بشنا ابلاغ نماید. عده‌ای از آقایان محترمین و مستندین محل نیز در این راه هتدم شده‌اند باید این موقع را منتهم شده بهرام علی حضرت هابولی که نظر خاص و علاقه مفرطی با کراک دارند امیدوار بود.

امروز موقع آن است که بار دیگر مراتب وفاداری خود را بوسیله تیسار سر لشکر جهانیانی و آقایانی که در معیت ایشان برای اصلاح کارها و رسیدگی بدردهای شما آمده اند پیشگاه اعلی حضرت هابولی عرض و در نهایت دلگرمی و امیدواری بهرام شاهانه خدمات صادقانه و واقعی خود را شروع و نشان دهید که هشایر کردستان در هیچ موقع شبور و رویه خدمتگزاری خود را از دست نیدهند. موفقیت شما را در خدمت بوطن و سر بلندی و افتخار شما را در زندگی از خداوند متعال مسلت مینمایم.

پیام بعشایر کردستان

بقیه از صفحه ۱۹

با وجود قدرت و نیروی جوانی نتوانستند بشکنند بخاطر بی‌اوری و عدل آن پیر مرد که یک یک جوب هارا از هم جدا کرد و شکست مورد توجه قراو دهیم. اگر ما از هر گوشه‌ای از مملکت مدائمی بیرون بی‌اوری مانده آن جوب‌های جدا شده پیر مرد هستیم که بزودی و آسانی خردمی شویم ولی اگر هکی متفق و متحد باشیم قدرت فوق‌العاده‌ای لازم است تا ما را بشکنند و نابود کنند.

پردران‌ها صبیبت و وفا - داری شما بآب و خاک ایران نسبت بآب و خاکی که شاو نیاکن شمارا پرورش داده جای تردید نیست. سوابق تاریخی نشان میدهد که در هر موقع فدائکاری لازم بوده شما بسوم خود از جانبازی دریغ نداشته اید.

تبلیغ مخالفان - نوشته بدخواهان حرکات کینه‌جویان هیچگاه نباید شما را از راه راست منحرف کند شما از افراد پاک ایرانی هستید باید علی رغم کلیه تبلیغات سوء و اشعارات بی‌سمنی مفرضان خدمت‌گزاری و سپاه‌داری خود را نسبت بایران ابراز دارید.

شما نباید بگذارید که حیثیت شما - زنده گی شما سوابق تاریخی خانوادگی شما دستخوش غرضانیهای مفسده‌جویان قرار گیرد.

شما نباید بدانید که ما تندیگردد دیگر ایرانی که در شهرهای دیگر با تهران - سکونت گرفته باید از مراهبای قانونی مملکت برخوردار گردید برای شما قوانین مخصوص و مقررات خاصی معین نشده. شما علاوه بر اینکه دارای همان مزایای شهر - نشینان هستید خدمات مهمتری بعهده دارید و آن کمکهای لازم بدولت است در هر موقع که وضعیت محلی شما ایجاب کند.

شما همانطوریکه در سنوات میادادی نشان داده اید که سرانجام از جان گذشته ایران هستید و همانطوریکه ثابت کرده‌اید حاضر نیستید یک وجب از خاک ایران را بیبگانه بدهید و اجازه نیدید پای بیگانه به حدود ایران داخل شود باید بانیتهای پاک پاروسی از صبیبت بر آرایش همان خدمت صادقانه سرباز واقعی را انجام داده و در هر موقع ثابت کنید ایران را از هر چیز بیشتر دوست میدارید و جان خود را هر موقع بر او نثار خواهید کرد.

علیات ناورای چند نفر که دست

طیبت با آنها مقامی داده و آنها از مقام خود سوء استفاده کرده اند نباید موجب باس و ناامیدی شما از دولت باشد.

تلقیناب آنان بدینیهائی که ایجاد کرده اند باید مرقع شود شما باید بدانید که مأمور دولت هر چه میخواهد باشد از لشکری و کشوری گرفته، از عضو کوچک تا وزیر ارزان را این مملکت و از برادران هاستند.

همانطور که شما از لحاظ بیکر در ایرانی وظایفی دارید آنها هم از لحاظ کار خود وظایفی دارند که باید انجام دهند. دولت آنها را برای انجام آن وظایف بخدمت پذیرفته.

همانطور که ممکن است یک فرد هادی خودسر باشد، یک کارمند هم ممکن است عملیات خلافی انجام دهد. گاهی هم ممکن است این عملیات بسیار زیان‌آور باشد.

عملیات ناروای مأمورین دستور دولت نیست. دولت هیچ گونه دستوری جز رفاه و آسایش مردم و جز دستورهائی که صلاح مملکت باشد نیدهد.

بنا بر این لازم است ما که مملکت خود علاقه داریم با اجرای دستورات دولت کمک کنیم و در هر موقع که عملیات خلافی از مأمورین بیبیم قورا دولت را و اف کردانیم و جدا تیبیه آنان را بخواهیم **هر کار باید از راه قانون انجام شود تا بتنبجه حتمی و قطعی برسد** منگی بودن بی‌وقیبت با قدرت ششمی یا معالی همیشه کار را پیش نیرد.

ما این پیام را در ستانه و غیر خواهان بشما ای برادران عزیز میدهم و انتظار داریم همانطور که قلب ما جز سمدت و سر بلندی برای شما چیزی نیبخواهد شما هم این نوشته را که ما از صمیم قلب بدون کوچکترین آرایش بر صحنات روزنامه آورده ایم پذیرفته و بدانید برادری دوست و غیر خواهان شما غطاب میکنم

در سه ماه و نیم قبل وقتیکه چنگ اورامان در حین شروع بود تقاضای شما این بود که هیئت اعزام شود و اظهارات شما را بسع اولیای دولت برساند تقاضا - های شما را در صحنات نامه حکومتان منکس کردیم و آنچه نتوانستیم مبارزه کردیم.

اکنون یکی از سران هالبرته و هریف ارتش تیسار سر لشکر جهانیانی